



## عدالت مهدوی در منجی گرایی اسلامی

تجلی میثاق الهی - ابراهیمی

<sup>۱</sup> نویسنده: دکتر عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا

<sup>۲</sup> ترجمه و بررسی: دکتر سید محمد تقی آیت اللهی

---

۱. استاد مطالعات مذهبی دانشگاه ویرجینیا\_ آمریکا

۲. استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز

## اشاره

مقاله حاضر عدالت مهدوی در منجی‌گرایی اسلامی را در مفهوم قرآنی میثاق الهی ابراهیمی تبیین می‌نماید. قرآن عمده نیروی خود را بر محور عدالت متمرکز می‌کند و خدای بزرگ منجی معصوم این عدالت حقیقی را خود هدایت می‌نماید (مهدی عج). این عدالت، نظامی را<sup>۱</sup> به وجود می‌آورد که از دام‌های معمول فریب‌کاری، که در طول تاریخ به نام نجات‌بخشی در پیشرفت انسان به سوی این کمال مطلوب بر سر راه بشر قرار گرفته و دیگر پیامدهای آن مسیر خلاف عدالت را پیموده است، بری و با عنایت به عصمت مجری عدالت، از هرگونه خطا مصون بوده و جهان‌شمول است.

منجی‌گرایی انتهای تاریخ در قرآن به صورت یک ساختار کلامی در مقایسه با انجیل «عهدجدید» جنبه بنیادی بسیار کمتری دارد. بحث قرآنی انتهای تاریخ بر محور شخصیتی یک موعود منجی انسانی در آینده که مبحث رستگاری‌شناسی مسیحیت بر پایه آن استوار گردید، متمرکز نمی‌گردد. قرآن با ارائه فرمول رستگاری ایمان - عمل - نتیجه هرگونه نیازی را برای مداخله انسانی، جز در نقش راهنما و رهبر الهی جامعه دینی (مهدی عج) که بشر را به چنین رستگاری هدایت فرماید نفی می‌کند. به علاوه، باید گفت که بذره‌های امید به وجود منجی موعود و رهبری صالح عادل در اسلام، از نتایج اعتقاد قرآنی به آینده مطلوب انسانیت سرچشمه می‌گیرد. این آینده مطلوب و امید آفرین، بخشی از وعده الهی به ابراهیم (ع) را تشکیل می‌دهد که قرآن نسل‌های آینده فرزندان خلیل الرحمان (ع) را شایسته آن می‌داند.<sup>۲</sup>

۱ مقاله حاضر در کنفرانس «منجی‌گرایی تطبیقی» شهر میلان کشور ایتالیا ارائه شده است.

۲ پیامبران الهی در همه زمان‌ها، مردم را به ویژه به این نکته توجه داده‌اند که تأیید خداوندی برای هدایت مردم، در خاندان و ذریه آنان قرار گرفته است. قرآن مجید به کرات درباره پیامبران که به درگاه خداوند برای ذریه (خاندان) خود دعا می‌کردند و از ذات باری تعالی مسألت می‌نمودند تا هدایتش را در دودمان‌شان قرار دهد، سخن می‌گوید در پاسخ به این راز و نیازها، آیات قرآنی تصدیق می‌کنند که لطف خاص خداوندی به اعقاب بلافصل پیامبران اعطا می‌شد تا میثاق‌های پدران‌شان را دست‌نخورده نگه داشته و نمونه‌هایی از درست‌کاری و رستگاری گردند و در راه راستی که به وسیله پیامبران نهاده شده است، با استواری گام بردارند. کلمه ذریه به معنی زاد و ولد و فرزند یا نسل بدون واسطه در سی و دو آیه قرآنی به کار رفته است. این کلمه یا در رابطه با امر شخص پیامبر که فرزندشان باید در راهشان باقی بماند یا کار هدایتشان در نسل خویش ادامه یابد به کار می‌رود. غالباً کلمه ذریه در آیاتی به کار می‌رود که پیامبران ادعا می‌کنند خداوند آنان را انتخاب نموده است که نمونه درستی و راستی در ادامه نسل پیامبران باشند. این علاقه نسبت به نسل پیامبر در آیه مذکور (سوره ۲، آیه ۱۲۴) منعکس شده است. متکلمان معمولاً این آیه را در فصول مربوط به امامت نقل می‌کنند و آن را در مورد عصمت امامان به کار می‌برند و بدان استدلال می‌ورزند. جانشینی پیامبر و رهبری جامعه اسلامی، اساسی‌ترین موضوع مذهبی است که علاوه بر مصالح سیاسی، ملاحظات ریشه‌دار مذهبی را در آن باید در نظر گرفت و رهبری جامعه بالاتر از هر مقام مذهبی تلقی می‌شود. حضرت محمد(ص) اصلاح‌گر مذهب راستین اسماعیل و ابراهیم بود و بنابراین در او تقدس ارثی طایفه‌اش به اعلی‌ترین سطح می‌رسید. این نظر را قرآن کریم قویاً تأیید کرده است. مثلاً جایی که اعلام می‌فرماید: «همانا خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را برتر از همه مردم برگزید» (سوره ی ۳ آیه ی ۳۳). مفسرین حضرت محمد (ص) را وابسته به خاندان ابراهیم، که در این آیه بدان اشاره شده دانسته‌اند. بنابراین پس از رحلت او، جانشینانش تنها کسانی می‌توانند باشند که از همان خاندان و از همان فضایل و شایستگی‌ها

قرآن کریم این رویداد عالم هستی را در عبارت زیر ادامه می‌دهد:

﴿و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فأتهمن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من

ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین﴾. (بقره/ ۱۲۴)

و یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خداوند به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم. ابراهیم عرض کرد این پیشوایی را به فرزندان نیز عطا خواهی کرد؟ خدا فرمود: (آری، اگر صالح و شایسته آن باشند) که عهد من هرگز به مردم ستم‌کار نخواهد رسید.

محتوای این آیه جوهره میثاق الهی با ابراهیم (ع) را می‌رساند و طرح الهی به تعیین و گزینش ابراهیم (ع)، بنده صالح عادل حق را به عنوان امام مردم بیان می‌دارد. خروج ظالمان از محدوده احراز رهبری جامعه بر توجه الهی درباره خطرهای سهمگین بی‌عدالتی که تحت حکومت رهبران غیرالهی پدیدار می‌گردد دلالت دارد. در انتصاب ابراهیم (ع) به عنوان پیامبر، توجه خداوندی به بشر، بیش از هدایت روحانی - اخلاقی انسان است و تعیین ابراهیم به امامت، ایجاد یک نظام مطلوب الهی را به رهبری شایسته امام منصوص ملهم الهی نتیجه می‌دهد.<sup>۱</sup>

انتظار موعود نجات بخش قرآن، به ایجاد یک نظم اخلاقی در زمین مربوط می‌شود و این هدف عالی به وسیله آن دسته از رهبران هدایت شده الهی به سامان می‌رسد. چنین رهبرانی را خدای عالم قدرت می‌بخشد تا ثابت کنند که اراده الهی در تاریخ برترین اراده‌هاست و این مهم نتیجه وعده الهی به ابراهیم (ع) است. در این مفهوم خاص، انتظارات قرآنی در بیشتر موارد با باورهای انجیل درباره جهاد انسان به ایجاد نظم مطلوب که در آن خداوند گه‌گاهی با مداخله به دفع نیروهای ضد الهی می‌پردازد، هماهنگی دارد.

با اطمینان می‌توان گفت که حتی وقتی قرآن از مسیح به عنوان منجی یاد می‌کند، اعتقادات اسلامی در مورد پدیده نجات‌بخشی آینده تاریخ در قالب رجعت دوباره منجی

برخوردار گردند. در این مورد، باید به مفهوم قرآنی خاندان تقوا و تعالی، که مطلوبیتش در نظر خداوند از اعمال و خدمات نیکوی آنان در راه رضای خداوند متعال ناشنی می‌شود توجه کرد. در همین رابطه، موعود نجات‌بخش جهانی انتهای تاریخ که آخرین وصی پیامبر رحمت حضرت محمد(ص) است نیز همین میانی شایستگی و اصالت ریشه‌دار مقدس ذریه ابراهیمی را در این میثاق الهی در خود دارد. تفسیر این اصالت عمیق، به نیکوترین وجه، در دعای شریف ندبه بیان شده است و البتة آن در فقراتی از این دعا که با سی بار «یا بن» بی در پی شروع می‌شود با زیبایی انسجام و آگاهی بخشی و عمق ارائه گردیده است و خواننده را به دقت و تأمل در این فقرات دعای ندبه فرا می‌خوانیم. آری، به قول علامه دکتر محمد اقبال لاهوری، متفکر اسلامی:

حق بردن آورد این تیغ اصیل  
از نیام آرزوهای خلیل

۱ شمول رهبری امام، طبق این آیه، همه مردم‌اند (انی جاعلک للناس اماما) و تعیین امام که اولی الله و خلیفة الله فی الارض است، تنها در شأن خداوند متعال است که این آیه و آیات متعدد دیگر گواه بر آن است. همین مفاهیم قرآنی در زیارت جامعه کبیره تفسیر شده است به ویژه آنکه امامان «باب‌المبتلی به الناس» (بابی که مردم به آن امتحان می‌شوند) اند و مجریان این میثاق الهی - ابراهیمی که عصاره آن عدالت‌گستری است.

انسان بیان نمی‌گردد.<sup>۱</sup> بلکه امیدهای قرآنی به نجات‌بخشی به صورت یک جهاد پی‌گیر به

۱ آیین رجعت از مسلمات قرآنی و از ضروریات مذهب شیعه است و شهرت آن چون آفتاب تابان است، به گونه‌ای که در زیارت جامعه کبیره، جامع‌ترین زیارت مأثورهای است که از امام هادی (ع) روایت شده و امامان معصوم (ع) بدان زیارت می‌شوند تصدیق به رجعت ائمه (ع) می‌شود (مصدق برجعتکم). بیش از دویست حدیث در این باب از معصومین (ع) به صراحت در رجعت وارد شده و زیاده بر پنجاه نفر از اعظم و افاض علمای و محدثین شیعه آن را روایت کرده‌اند و به حد تواتر رسیده است. حتی شعرا هم در اشعار خود آن را مطرح ساخته و بدان استدلال کرده‌اند و در هر عصری مناظرات و مباحثات علمی و آیینی در بین علمای اسلامی صورت گرفته و رساله‌های متعددی در این باب نوشته شده است. مبنای رجعت و اعتقاد بدان آیات متعدد قرآنی است که در این‌جا به برخی از آنان اشاره می‌شود. خدای متعال می‌فرماید:

﴿و یوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون﴾

یاد آر روزی که خلق به عرصه قیامت (با رجعت به دنیا در ظهور امام عصر (عج)) از هر قومی، یک دسته را که تکذیب آیات ما می‌کنند برانگیزیم و آن‌ها بازداشته خواهند شد (سوره نمل، آیه ۸۳)

و باز خدای متعال می‌فرماید:

﴿و یوم نسیر الجبال و تری الارض بارزة و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا﴾

یاد آر روزی که کوه‌ها را به رفتار آریم و زمین را صاف و بدون پست و بلندی آشکار ببینی و همه را محشور نمایم و یکی را فرو نگذاریم (سوره کهف، آیه ۴۷)

از این دو آیه روشن می‌شود که دو نوع حشر وجود دارد. یکی در قیامت که همگانی است و دیگری رجعت که جنبه اختصاصی دارد و عده‌ای خاص را در بر می‌گیرد و همگانی نیست.

هم‌چنین خدای بزرگ در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿قالوا ربنا امنا اثنتین و احييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل﴾

در آن حال کافران گویند پروردگارا تو ما را دو بار زنده کردی و باز زنده کردی تا ما به گناهان خود اعتراف کردیم. آیا اینک ما را راهی هست که از این عذاب دوزخ بیرون آییم؟ (سوره غافر، آیه ۱۱)

توضیح آن‌که مردن از این زندگی مردن اولی است، زنده شدن پس از آن در رجعت زنده شدن اولی است. مردن پس از حیات در رجعت، مردن دوم است. حیات در قیامت احیای دوم است.

علاوه بر این، در حکایت عزیر پیامبر می‌فرماید:

﴿او کالذی مر علی قریه فیهی خاویه علی عروشها قال ائی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائه عام ثم بعته قال کم لبثت قال لبثت یوما او بعض یوم قال بل لبثت مائه عام فانظر الی طعامک و شرابک لم یسنه و انظر الی حمارک و لنجعلک آیه للناس و انظر الی العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحما فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر﴾

یا بمانند آن‌که (برخی از مفسران گفتند مراد عزیر پیامبر است) به دهکده‌ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود. گفت به حیرتم که خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد. پس خداوند او را صد سال میراند، سپس زنداهش برانگیخت و به او فرمود که چند مدت درنگ نمودی؟ جواب داد: یک روز یا پاره‌ای از یک روز. خداوند فرمود: نه چنین است؛ بلکه صد سال است که بخواب مرگ افتادی؛ نظر در طعام و شراب خود بنما که هنوز تغییری نکرده و الاغ خود را نیز بنگر تا احوال بر تو معلوم شود و ما تو را حجت بر خلق قرار دهیم که امر بعثت را انکار نکنند و بنگر در استخوان‌های آن‌که چگونه در همس پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم چون این کار او آشکار و روشن گردید، گفت همانا اکنون به حقیقت و یقین می‌دانم که خداوند بر همه چیز تواناست (سوره بقره، آیه ۲۵۹)

و یا در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل علی الناس ولكن اکثر الناس لا یشکرون﴾

آیا ندیدید آن‌هایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند. خدا فرمود بمیرید. همه مردند. سپس آن‌ها را زنده کرد، زیرا خدا را در حق بندگان فضل و کرم بسیار است؛ لیکن بیشتر مردم سپاس‌گزار حق نیستند (سوره بقره، آیه ۲۴۳)

تفصیل و تشریح آیات مذکور در کتب تفسیر آمده است. به هر حال، آیین رجعت جلوه‌ای دنیایی از معاد اخروی است که قدرت الهی را نشان می‌دهد. اما آن‌چه در مورد منجی اسلام حضرت مهدی (عج) و نیز حضرت عیسی (ع)، یار آن حضرت رخ می‌دهد، پدیده ظهور است نه رجعت، چه هر دو زنده‌اند. حضرت مهدی (عج) در ۱۵ شعبان ۲۵۵ ه.ق به دنیا آمده و در سال ۲۶۰ ه.ق غیبت صغری خود را آغاز کرده است و در ۱۵ شعبان ۳۲۹ ه.ق. غیبت کبری خویش را شروع کرده است و هر زمان که خدا اراده فرماید و جامعه شایستگی ظهور را یابد و تصمیم جدی به تغییر مثبت سرنوشت خود گیرد، ظهور خواهد فرمود که ((ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یشکروا ما بانفسهم همانا؛ خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر که آنان نفسانیات خود را تغییر دهند (سوره رعد، آیه ۱۱))

منظور ایجاد جامعه عادلانه با رهبری هدایت یافته الهی بیان می‌شود. این مهم، جنبه اساسی میثاق ابراهیمی را باز می‌تاباند. در مقیاس وسیع، انگیزه مذهبی که در میثاق الهی با ابراهیم (ع) در مورد نظم عمومی ایده‌آل با هدایت امام شایسته عادل به وجود آمده است، جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی را مشخص می‌سازد که در دو بیان تاریخی درباره منجی‌گرایی در مذاهب یهود و اسلام دیده می‌شود. وقتی که به اعتقاد منجی‌گرایی در قرآن می‌نگریم و در صدد مطالعه تطبیقی بر می‌آییم، آن را از نقطه نظر خاص مسیحیت ملاحظه می‌کنیم؛ زیرا در تاریخ صدر مسیحیت بود که نمونه نهضت موعودگرایی نجات بخش در سنت ابراهیمی به وجود آمد. در عین حال، در قرآن هم در بیشتر موارد، همچون تورات «عهد قدیم» نقش منجی جنبه ثانوی و اتفاقی دارد. از طرف دیگر، اهداف خداوندی در میثاق الهی با کنش ابراهیمی به صورت نیروی رانش در پشت دید موعودگرایی نجات بخش عمل می‌کند و استقرار تمام و کمال عدالت را بر سراسر زمین نتیجه می‌دهد. در نتیجه، این میثاق الهی، نقطه هم‌گرایی را در اعتقاد به موعود منجی جهانی در میان پیروان مذاهب ابراهیمی به وجود می‌آورد.<sup>۱</sup>

به قول اقبال لاهوری:

خدا آن ملتی را سروری داد  
به آن ملت سر و کاری ندارد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت  
که دهقانش برای دیگری کشت

آنچه نویسنده در صدد القای آن است، مشارکت فعال جامعه در ظهور منجی است و این همان اصلی است که خواجه نصیر الدین طوسی (ره) می‌فرماید: وجوده لطف و غیبتیه لطف آخر و عدمه منّا. وجود مهدی (عج) لطف است و غیبت او لطفی دیگر است و عدم ظهور او نیز از خود ماست. و بنابراین همان‌گونه که غیبت به صورت تدریجی صورت گرفت و از غیبت صغری شروع و به غیبت کبری ختم شد، ظهور نیز بر اساس این قاعده، از ظهور صغری آغاز و به ظهور کبری می‌انجامد. در ظهور صغری، انسان‌های منتظر باید شایستگی خود را در تنظیم رابطه خویش با خدا و ولی معصوم او و جامعه نشان دهند و در طریق صلاح و سواد فعالانه گام بردارند؛ چه قومی که در انتظار مصلح است، خود باید صالح باشد.

۱. فکر انتظار فرج موعود جهانی، فکر ترویج حق و حاکمیت در دنیاست که این فکر در میان انسان‌ها اعم از موحد و مادی مشترک است و در میان مذاهب ابراهیمی این فکر نقش برجسته‌تری دارد. نگارنده وقتی به دقت سخنان هم‌دوید بن‌گودین نخست‌وزیر دولت صهیونیستی اسرائیل که خود از بنیان‌گذاران این دولت غاصب به شمار می‌آید و از سردمداران تروریسم دولتی بود بررسی و مطالعه می‌کرد، او در نطق خود به صراحت اظهار داشت: «...جهان نمی‌تواند همیشه در حال جنگ و ستیز به سر برد و آن موعود جهانی که همه مذاهب و مکاتب و از جمله مذهب ما یهودیان ظهور او را نوید داده‌اند، سرانجام خواهد آمد و صلح پایدار را در جهان استقرار خواهد بخشید...». جالب این‌جاست که این نطق حدود دو سال بعد از اشغال صحرائ سینا و مسجد الاقصی توسط اسرائیل در سال ۱۳۴۶ ایراد شده و ناطق در آن زمان یکی از مهره‌های درشت نظام صهیونیستی به شمار می‌آمده است. در عین حال، نقطه تمایز مکتب ما با سایرین در این است که فکر انتظار فرج و ظهور منجی در آخر الزمان در مکتب اهل بیت (ع) منظم و سازمان‌یافته و فعال است و هویت کامل و اصالت و شرافت خانوادگی منجی عالم کاملاً شناخته‌شده و حقیقی است و از هرگونه ابهامی تهی است. همین امر موجب شده است تا مدعیان دروغین مهدویت در جوامع شیعی بسیار کمتر از سایر جوامع اسلامی بتوانند نفوذ کنند و عرض اندام نمایند؛ گرچه ضروری است تا بیش از گذشته آیین مقدس مهدویت در جوامع تعمیق و گسترش یابد تا از هرگونه آسیب اعتقادی - سیاسی و اجتماعی پیش‌گیری شود و ترویج مهدی‌شناسی به مهدی‌باوری و آن‌گاه به مهدی‌محوری بینجامد و این کلام حکیمانه متفکر بزرگ، خواجه نصیر الدین طوسی (ره)، مورد تأمل عمیق قرار گیرد و تلاشی به رفع موانع ظهور گردد که خود «حجاب خودی حافظ از میان برخیز».

مذاهب ابراهیمی راه کلی زندگی انسان را ارائه می دهند که هم به تمام پاسخ‌گویی و مسؤولیت انسانی را می‌طلبد و هر فردی باید به عنوان بخشی از تعهدات دینی خود به خدا آن را ادا نماید. در حالی که پاسخ‌گویی در امور دینی، بیانی فردی و خودمختار از رابطه شخص با خداست و در طول اطاعت حق قرار می‌گیرد و جنبه عمودی دارد، مسؤولیت پذیری، عینیت خارجی دین‌داری است که انسان مؤمن را به دیگر انسان‌ها می‌پیوندد و در عرض دیگر افراد بوده و از جنبه افقی برخوردار است. در قرآن و انجیل، میثاق سبب می‌شود تا خدا خود به تعهد الهی خویش عمل کند و اسباب هدایت لازم را برای انسان فراهم آورد تا مسؤولیت سازگاری با واجبات را در رابطه متقابل با جامعه (احترام به حیات، مالکیت، عدالت و غیره) به دوش کشد. به عبارت دیگر، این امر بر این فرض استوار است که پاسخ‌گویی معنوی به مسؤولیت‌پذیری اجتماعی - اخلاقی می‌انجامد.

برای آن که راز منابع قرآنی، درک آینده نجات‌بخش انسان را کشف کنیم و بدانیم که آیا کتب آسمانی عبری و اسلامی در آخرت‌شناسی این جهانی، از یک مبنای روحانی و اخلاقی برخوردارند، باید رابطه پاسخ‌گویی و مسؤولیت یا رابطه عمودی و افقی که سنت‌های ابراهیمی در بیعت‌ها و تعهدات مذهبی خود از آن الهام می‌گیرند را درک کنیم. در این نوشتار، بنیادهای منجی‌گرایی در مفهوم قرآنی میثاق مذهبی کشف می‌شود و بررسی ابعاد مقایسه‌ای و تطبیقی آن در کتب آسمانی مذاهب ابراهیمی در این زمینه به دیگران واگذار می‌گردد.

اعتقاد به موعود نجات‌بخش در مفهوم مداخله الهی در تاریخ انسانی از طریق تعیین انسان صالح هدایت‌شده (مهدی عج) که مردم را در آخر الزمان از ظلم و ستم رهایی می‌بخشد، جنبه برجسته مبحث رستگاری‌شناسی اسلامی را تشکیل می‌دهد. بی‌شک، مسلمانان صدر اسلام اعتقاد داشتند که حضرت محمد (ص)، در این موضع آخرت‌شناسی خاتم النبیین و پیامبر آخر الزمان است و انتظار داشتند تا انسانیت را به سوی ایجاد جامعه موعود ایده‌آل با رسالتی جهانی راهنمایی و هدایت کند. این توقعات نیز بخشی از گرایش‌های اصلاح‌طلبانه و احیاگرانه را در بین جوامع مسیحی - یهودی عربستان در قرون ششم و هفتم میلادی (قرن اول هجری) تشکیل می‌داد. مفاهیم قرآنی روز قیامت و علائم و ساعت را باز می‌تاباند و دوره‌ای از وحشت و ترس و بی‌نظمی را در آخر الزمان اعلام می‌دارد. این دوره در چارچوب‌های ایدئولوژیک و فرهنگی و معجزه ظهور منجی در

«حرمان خلق از امام و علت غیبت او چون معلوم است که از جهت خدای سبحانه و از جهت امام نبود، پس لابد از جهت رعیت بود و تا آن علت زایل نشود، ظاهر نگردد و استبعاد از درازی عمر حضرت مهدی (عج) نمودن چون امکانش معلوم است و از غیر او مُتَّفَق، جهل محض بود.» (فصول نصیری، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۸)

رستگاری‌شناسی و آخرت‌شناسی مذهب ابراهیمی درک پذیر است.

## دید قرآنی آینده نجات‌بخش انسان

تفسیر عمده این جهانی اسلام در ایجاد یک جامعه سیاسی - مذهبی موسوم به امت اسلام خلاصه می‌شود. امت اسلامی با عضویت همه کسانی که به خدا معتقدند و وحی الهی را از طریق حضرت محمد(ص) می‌پذیرند، شکل می‌گیرد. در نتیجه، اعتقاد مسلمانان به رهبر نجات‌بخش و موعود هدایت‌شده الهی (مهدی عج) از اقرار آنان به موقعیت حضرت محمد(ص) و رویکرد او به عنوان پیامبر هدایت‌شده ملهم الهی نشأت می‌گیرد که سرانجام امت ایده‌آل را به وجود می‌آورد. وحی اسلامی در ارزشیابی شرایط انسانی که مانع اجرای هدف غایی الهی برای انسانیت می‌شود خود را فعال می‌نگرد. تمدن انسانی، بنا به باورهای قرآنی، جهاد مستمر انسان علیه خودمحموری و خودخواهی‌های جزئی اوست که دو منبع عمده تعارض و نابودی انسان به شمار می‌آیند. این همان دشمنی است که از طریق «جهاد اکبر» باید بر آن چیره شد، پیش از آن‌که از طریق جهاد اصغر بتوان از عهده دشمنان خارجی سربلند بیرون آمد. دشمن داخلی نفس سرکش از ایجاد جامعه انسانی عادلانه و صلح‌جو جلوگیری می‌کند و مانع اصلی استقرار آن به شمار می‌آید، چنان‌که تجربه تاریخی هم به کرات آن را نشان داده است. رستگاری‌شناسی بیان اوضاع انسان بیچاره ناامید است که نیاز به حس نقادی به سرنوشت مشترک انسانی دارد تا حماسه انسانی جست و جوی عدالت و صلح را فراهم آورد. این بیان جوهره اصلی پدیده منجی‌گرایی انتهای تاریخ را در اسلام تشکیل می‌دهد.

در زمان‌های گوناگون در تاریخ، خداوند بزرگ مداخله می‌کند و نمونه‌های زنده‌ای را فراهم می‌آورد. پیامبران طبیعت حقیقی و کمال را از مجرای ایمان به خدا، به انسان یادآوری می‌کنند. در آخر الزمان، پس از آن‌که همه تلاش‌های انسانی به ناکامی گرایید و انسانیت خود را نیازمند احیای اخلاقی - روحانی دید و مسئولیت تاریخی خود را در ایجاد نظم الهی در زمین درک کرد، خدای بزرگ، عیسی (ع) را در معیت حضرت مهدی (عج) خواهد فرستاد. حضرت مهدی (عج) دین خالص را احیا خواهد کرد و باطل را خواهد زدود و از بندگان صالح خدا فریادرسی خواهد نمود. در این میان، انسان‌ها وظیفه دارند تا ماهیت اساسی و اصالت خویش را از مجرای تسلیم به خدا (اسلام) بازشناسند و به فرمان امام منصور (مهدی عج) گردن نهند. این نگاه تفسیر اخلاقی - معنوی منجی‌گرایی در اسلام را بیان می‌دارد.